

اسلام
اسلام
اسلام

جغرافیای فرهنگی و تهدیدهای نظام مهندسی فرهنگی در ایران

نفیسه مرصوصی^۱

محمد رئوف حیدری فر^۲*

اقبال پاهکیده^۳

چکیده

جغرافیای فرهنگی به عنوان دانشی کاربردی به مطالعه روابط انسان و محیط از دیدگاه فرهنگی می‌پردازد. این دانش با احترام به اصل تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگی، بیان می‌کند تلاش سردمداران جهانی برای ایجاد فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های غربی که آثار و پیامدهای منفی فرهنگی خاص خود را به دنبال دارد و اغلب با فرهنگ‌های بومی سایر نقاط جهان هماهنگ نیست نهایتاً محکوم به شکست است. این مقاله با نگاهی جغرافیایی و بهره‌گیری از رویکردی کاربردی، به مطالعه مفاهیمی کلیدی در حوزه فرهنگ، و نیز به بررسی مخاطرات جغرافیایی - فرهنگی ناشی از سیاست‌های بیگانه برای دفاع از فرهنگ بومی، مثلاً فرهنگ ایرانی - اسلامی می‌پردازد. روش تحقیق مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج حاصل از آن نیز بیانگر این است که تولید تفاوت‌های جغرافیایی - فرهنگی همراه و همزاد انسان‌هاست، همانطور که پستی‌ها و بلندی‌ها در سیاره زمین وجود دارد. همچنین این مقاله بر این نکته اساسی نیز تاکید می‌کند که با توجه به گستردگی مسائل جغرافیایی، جغرافیای فرهنگی با شناخت بیشتر، باید گام‌های اساسی در جهت تقویت و حفظ ارزش‌های اسلامی و مقابله با تهدیدها در نظام فرهنگی ایران بردارند.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای فرهنگی، مهندسی فرهنگی، سیاست فرهنگی، مخاطرات فرهنگی، فرهنگ

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور.

۲. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور. (نویسنده مسئول).

amirhidry123@pnu.ac.ir

۳. عضو هیأت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور.

مقدمه

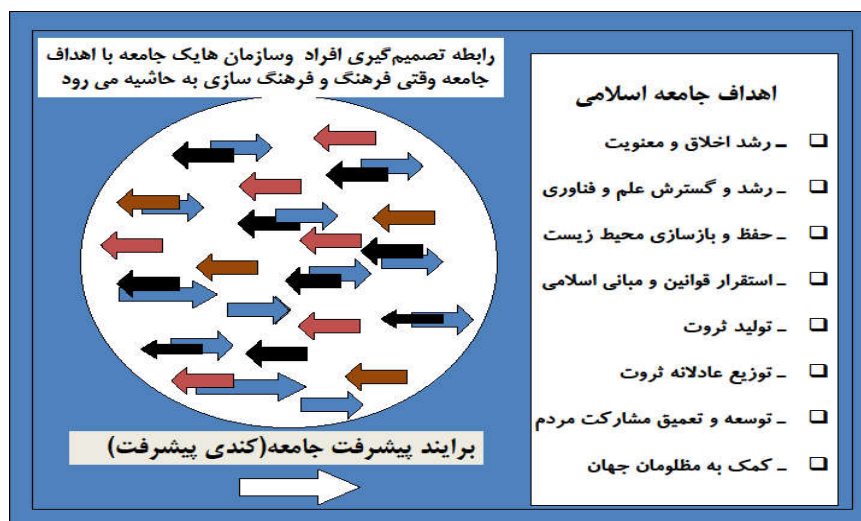
شناخت مکان‌ها، آثار و میراث فرهنگی گذشتگان، تأثیر عناصر فرهنگی همانند افسانه‌ها، ارزش‌ها، باورها و نمادها بر روابط انسانی در جوامع و کشورهای گوناگون از جمله مباحث اصلی در جغرافیای فرهنگی است. تنها چشم انداز طبیعی و مصنوعات بشری نیست که ما را از دیگران متمایز می‌کند، بلکه باورهای عمیق و استوار اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در تمایز ما از دیگران و خودی از غیر خودی نقش دارد؛ به عبارت دیگر، زندگی مردم در مناطق گوناگون جهان متأثر از ارزش‌ها، آداب و رسوم، هنجارها و سبک زندگی آن‌هاست. فرهنگ نقطه آغازین شناخت و تفسیر زندگی گروه‌های انسانی در جوامع گوناگون است. از این‌رو جغرافیای فرهنگی می‌کوشد تا ویژگی‌های فرهنگی یک سرزمین و اثرات متقابل فرهنگ مادی و معنوی انسان و محیط را در ارتباط با جغرافیای آن سرزمین کشف، بیان و تحلیل کند.

همچنین، در جغرافیای فرهنگی همواره به این امر نیز توجه می‌شود که چه تهدیدهایی ناشی از تغییرات فرهنگی در رابطه با طیف عناصر فرهنگی یعنی باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارها، نمادها و رفتار اجتماعی فرد و جامعه وجود دارد. فعالیت‌ها، طرح‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌های فردی و جمعی، دولتی و غیردولتی برای فضای فرهنگی جامعه، نتایج و آثار فرهنگی مختص به خود را به دنبال دارد که از اهمیت خاصی برخوردار است. امواج فرهنگی ناشی از کنش‌های فرد و سازمان‌ها برای آیندگان از بُعد کارکردی اهمیت دارد، زیرا می‌تواند به نقش فرد، سازمان، جامعه و مکان و نمادهای مختلف و پیامدهای فرهنگی که برای آن فضا و مکان به ارمغان می‌آورد معنا دهد. در جغرافیای فرهنگی، ضمن توجه به اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و هنجارها، این نکته نیز مدنظر قرار می‌گیرد که چه پیام‌هایی در معماری سازه‌ها، در آسمان‌خراش‌ها و فرهنگسراها، در نام مکان‌ها، در طراحی معابر شهری، خیابان‌ها، مساجد، کلیساها و حتی دیوار نوشته‌های موجود در شهر آشکار و پنهان است. و سهم مهندسی فرهنگی از این نوع تغییرات آگاهانه و یا ناآگاهانه فرهنگی چیست؟ چه پیامی و چه تهدیدی برای جامعه دارند؟ و وظیفه و نقش

جغرافیای فرهنگی در جوامعی همانند ایران اسلامی چیست؟

نکته دیگری که از نگاهی کارکردی در جغرافیای فرهنگی می‌توان بیان کرد: در داربست مقیاس‌های گوناگون جهانی تا محلی، ما شاهد وجود سبک‌های گوناگون زندگی در همه مکان‌ها و محیط‌های جغرافیایی هستیم. در کشورهای چندملیتی همانند ایران انواع سبک‌های زندگی محلی وجود دارد. این سبک‌ها در میان اقوام از طریق نقش هم‌تکمیلی که دارند، ضمن تقویت وحدت سرزمینی کشور، متن تمدن اسلامی ایرانی را تشکیل می‌دهند. این مقاله با رویکردی جغرافیایی به مطالعه مفاهیمی همانند تغییرات فرهنگی، نقش فرهنگی، سیاست و مهندسی فرهنگی پرداخته و سعی در شناخت تهدیدها و

مخاطرات جغرافیایی- فرهنگی ناشی از سیاست‌های بیگانگان برای دستیابی به اهداف جامع اسلامی و دفاع از تمدن و فرهنگ بومی ایرانی- اسلامی دارد.



تصویر شماره (۱). اهداف فرهنگی ایران

مبانی نظری

واژه فرهنگ در زبان فارسی از واژه‌های بسیار کهن است که نه تنها در نخستین متن‌های نثر فارسی دری، بلکه در نوشته‌های بازمانده از زبان پهلوی نیز فراوان یافت می‌شود. در فرهنگ فارسی معین کلمه فرهنگ این گونه معنی شده است: واژه فرهنگ از دو جزء ساخته شده است:

۱. «فر» به معنی نیروی معنوی، شکوه، بزرگی و درخشندگی که به‌عنوان پیشوند نیز معنی جلو، بالا، پیش و بیرون را می‌دهد.

۲. «هنگ» از ریشه‌های اوستایی سنگ به معنی کشیدن، سنگین، وزن و وقار است. روی هم رفته فرهنگ به معنای بیرون کشیدن و بالا کشیدن است؛ بیرون کشیدن دانش، معرفت، استعدادها، نهفته و پدیده‌ها و تراوش‌های نو و نوپدید انسانی از نهاد و درون انسان و جلوه‌گر ساختن آن در جهان انسانی (فرید، ۱۳۷۵: ۴۷).

دانشمندان آنگلساکسون^۱ تمایل دارند فرهنگ را در معنای وسیع و شامل تمدن به کار برند. آلمانی‌ها مخصوصاً بعد از هردر^۲ مفاهیم فرهنگ و تمدن را در برابر هم قرار داده‌اند و مجموع عناصر مادی، آثار فنی و اشکال و صور سازمان اجتماعی را که امکان بروز و تجمع یک جامعه را فراهم می‌کند، تمدن می‌خوانند. از نظر آن‌ها فرهنگ عبارت است از مجموع مظاهر معنوی، آفرینش‌های ادبی، هنری و ایدئولوژی‌های مسلطی که تشکیل‌دهنده واقعی بدیع و خاص از مردم در یک دوران است.

به نظر پیر ژرژ^۳ «فرهنگ کلمه‌ای است که مؤلفان امریکایی آن را در تعیین و نشان دادن مجموعه رویناهای اقتصاد و زندگی اجتماعی به کار گرفته‌اند. زبان، سنن، فعالیت‌های روشنفکری، ادبی، هنری، علمی، ایدئولوژی‌های سیاسی، شکل حکومت، دین و اساطیر و ساختارهای اجتماعی و... زیرمجموعه‌های فرهنگی هستند و بر همین مبنا جهان به فضا‌های فرهنگی تقسیم می‌شود». تا جایی که برخی از محققان فرهنگ و تمدن را سخت به هم پیوسته می‌دانند و فرهنگ بدون تمدن را نمی‌شناسند و تسلط فرهنگی بر جهان را فارغ از ارزش‌های تمدن نمی‌دانند.

ریموند ویلیامز^۴ در سال ۱۹۸۱ واژه فرهنگ را به عنوان یکی از پیچیده‌ترین واژه‌ها در ادبیات انگلیسی توصیف کرد. فرهنگ همچنین یکی از تأثیرگذارترین مفاهیم در علوم انسانی و علوم اجتماعی است. روش‌شناسی ویلیامز تقریباً نگاهی تاریخی به معنای واژه بود. تاریخ فرهنگ از ساده‌ترین منشأ آن یعنی از کشت و زراعت^۵ آمده است؛ اما فرهنگ از یک فرآیند و نه شیء گرفته شده است؛ ویلیامز فرهنگ را اینگونه معرفی کرده است: ۱. فرآیند کلی توسعه فکری، عقلانی و معنوی؛ ۲. خصیصه‌ای از سبک زندگی گروه‌های خاص، خواه ملت‌ها یا طبقات اجتماعی یا خرده‌فرهنگ‌ها؛ ۳. کارها و اعمال و فعالیت‌های هنری و فکری همانند موسیقی، آبر، تلویزیون و فیلم و ادبیات (گروگری و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۳۵).

برخی از جغرافیدانان، فرهنگ را علمی تفسیری می‌شناسند و در مطالعات جغرافیای فرهنگی، کارشان را با تفسیر چشم‌انداز شروع می‌کنند؛ ابتدا به زندگی‌نامه چشم‌انداز می‌پردازند و سپس استعاره چشم‌انداز را به منزله یک متن به کار می‌گیرند (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۰۵). همچنین، جغرافیدانان فرهنگ را به مثابه سنتی نمادین بررسی کرده‌اند. آن‌ها بیان کرده‌اند که چگونه مردم موجودیت‌های طبیعی و فرهنگی را به شکل‌های نمادین تغییر می‌دهند؛ البته نه با هدف تغییر شکل چشم‌اندازها، بلکه برای اهدافی مانند ارتباط و ایجاد معنا. از یک طرف، دانش جغرافیا درصدد آشکار کردن الگوهای جهانی فراگیر از فرهنگ مادی

1. Anglosakson
2. Herder
3. Pierre George
4. Williams
5. cultivation

بوده است؛ همانند آنچه در نظام اعتقادی و مذهب می‌توان یافت. برای مثال، عمل زیارت یا ایجاد مکان‌های مقدس بر اساس الگوهای حرکت می‌تواند در بسیاری از نواحی و فرهنگ‌های جهان یافت شود. از طرف دیگر، جغرافیدانان افسانه یکسانی فرهنگ را رد کرده‌اند تا از این طریق تجلیات گوناگون و خاص فرهنگی از پدیده‌های نمادین همانند هویت را آشکار کنند (وارف، ۲۰۰۶: ۸۱)

به طور خلاصه، فرهنگ به شکل زیر قابل فهم است:

- ۱- فرهنگ مربوط به انسان، زندگی و امور مربوط به وی و شامل رفتارها، ارتباطات، تعامل‌ها، کنش و واکنش‌ها و به طور کلی امور فردی و جمعی آنها می‌شود.
- ۲- فرهنگ، میراث اجتماعی گذشتگان و مجموعه‌ای از قوانین، قضاوت‌ها، بایدها و نبایدها، جهانبینی‌ها، ایدئولوژی‌ها و... را در بر می‌گیرد و منبع مهمی برای رفتار فرد و جامعه و تعیین خطوط و مرزهای آنها در مقابل دیگران است و نقش مهمی در تعریف هویت، تربیت، سبک زندگی، سلايق، ذائقه‌های غذایی، زندگی مشترک، سیاست، رفتار اجتماعی و غیره می‌باشد؛ به عبارتی فرهنگ زیربنا و اقتصاد، سیاست و... رویناست.
- ۳- جوامع از نظر جغرافیایی و درجه پیشرفت فرهنگی دارای تفاوت‌هایی بوده و این تفاوت به عنوان اصلی در جغرافیا بیشتر ناشی از عامل فرهنگ به عنوان عنصر اصلی رابطه متقابل انسان و محیط است. جوامع از نظر فرهنگی به «سنتی و مدرن» یا به عبارتی «توسعه یافته و توسعه نیافته» تقسیم می‌شوند.
- ۴- فرهنگ همانند یک غول یا هیولایی عمل می‌کند که تمام انسان‌ها را درون خود مقید به رعایت خطوط و مرزها و محدودیت‌هایش یعنی همان بایدها و نبایدها می‌سازد؛ تنوع فرهنگی در سطح این سیاره فرهنگی بسیار زیاد است و همانطور که خداوند در سوره حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید: و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم، ما شاهد تنوعات انسانی در چهار گوشه گیتی هستیم که در هر مکانی و هر فضایی یک فرهنگ غالب و مسلط است. در این زمینه، تفاوت‌های جغرافیایی و نیز تفاوت‌هایی در رابطه با بحث تکامل فرهنگ‌ها زمینه ارتباطات و تکامل و پیشرفت فرهنگ و یا زمینه شبیه خون و انقیاد فرهنگی را بوجود آورده است.

روش تحقیق

تحقیق و پژوهش در حوزه جغرافیای فرهنگی برای جغرافیدان بسیار دشوار خواهد بود؛ کمبود منابع و مطالعات جغرافیایی، گستردگی مباحث جغرافیایی- فرهنگی، مشخص نبودن مرزهای جغرافیا و فرهنگ و

مباحث جغرافیای فرهنگی و نبود چهارچوب علمی در این زمینه از جمله عواملی است که کار در حوزه جغرافیای فرهنگی را با مشکل مواجه ساخته است.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای و حضور در جلسات فرهنگی و همچنین مصاحبه انجام شده است. این مقاله که در نوع خود کم‌نظیر بوده، سعی دارد با نگاهی نو و رویکردی موشکافانه، دقیق و اغلب انتقادی به مطالعه جغرافیای فرهنگی و تهدیدهای نظام مهندسی فرهنگی در ایران بپردازد. به علاوه، این اعتقاد نیز در این مقاله وجود دارد که فرهنگ، تهدیدات و مخاطرات فرهنگی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی برخوردار است و نباید جغرافیا به عنوان یک علم موثر، مفید و سازنده در این زمینه بیگانه باشد، چرا که می‌تواند به عنوان دانشی کاربردی با رویکرد حل مسئله به صورت ملموس مورد توجه قرار گیرد.

یافته‌های تحقیق

۱- جغرافیا، مکان^۱ و فرهنگ

تقریباً تمام انسان‌ها در گروه‌های متفاوت زندگی می‌کنند. آنچه هویت فرد را به شکل عضوی از یک گروه تعیین می‌کند، شاخص‌های فیزیکی همانند رنگ پوست یا جنسیت است یا ممکن است معیارهای فرهنگی شامل نگرش‌های مشترک، آداب و رسوم، زبان، مذهب و ارزش‌ها باشد (هانکس، ۲۰۱۱: ۸۵۸۷). هر فرهنگی شیوه خاصی از زندگی را برای خود انتخاب می‌کند و برای پیروان خود، سازمان اجتماعی خاصی را برای تهیه مواد غذایی، آب، سرپناه و شرایط غیرمادی به وجود می‌آورد. روشن است که تمام توان سازمان‌های اجتماعی تنها در این موارد خلاصه نمی‌شود، بلکه سازمان اجتماعی هر فرهنگی، امکانات و از سویی محدودیت‌هایی برای پیروان خود فراهم می‌آورد.

زمانی که فرهنگی در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی اعضای خود توفیق زیادی به دست آورد، در نواحی مختلف جغرافیایی گسترش می‌یابد. در جوامعی که تمام انرژی و وقت خود را برای تأمین بقای زندگی بکار می‌گیرند، زمان کمتری برای فعالیت‌های غیرمادی در اختیار خواهند داشت؛ اما در مقابل فرهنگ‌های غنی و پر بار زمان بیشتری را برای فعالیت‌های فرهنگی غیر از تأمین معاش صرف می‌کنند. این قبیل فرهنگ‌ها، روزه‌روز پر بارتر می‌شوند و توان بیشتری در گسترش جغرافیایی به دست می‌آورند. از این

نظر، در افتراق مکان‌ها، فرهنگ از عوامل مهم بشمار می‌آید و آگاهی از این طریق عملی می‌شود (شکویی، ۱۳۷۹: ۲۸۳-۲۸۲).

جغرافیدانان مدت‌های مدیدی دغدغه تقسیمات در روابط بین فرهنگ و جغرافیا را داشته‌اند. آن‌ها اغلب با کار و مطالعه بر نقاط همپوش و مرتبط بین این دو عرصه، پیشرو مطالعات در عرصه طبیعی و فرهنگی هستند (Hinchliffe, 2007: 194). در درون پارادایم حاکم و همیشگی یعنی روابط انسان و محیط و شناخت و معرفت پوزیتیویستی^۱ و طبیعت‌گرایی، جغرافیدانان باید بر مطالعه میانجی‌هایی مانند تکنیک‌ها یا مفهوم چشم‌انداز در بررسی واقعیات فرهنگی تأکید بیشتر داشته باشند. مکان نیز یکی دیگر از این مفاهیم است؛ این مفهوم همانند چشم‌انداز و به اندازه اهمیت آن نقش ندارد، اما در جغرافیای فرانسه اهمیتی قابل توجه داشته است.

هر جغرافیدانی با تعریف ویدال دولابلانش از جغرافیا آشنا است: «جغرافیا علم مکان‌هاست، نه انسان‌ها». این جمله نباید از متن و شرایط ناشی از آن جدا شود، یعنی مفهوم مکان برای جغرافیدانان ابتدای قرن بیستم اهمیت بسیاری داشته است.

مطالعه ویدال در سطح ملی گسترش یافت؛ اما موضوع‌های جغرافیایی به صورت اساسی در سطوح محلی و ناحیه‌ای در طی ابتدای قرن بیستم بیشتر به کار رفت. مطالعات فرهنگی اغلب عنصر مهمی از جغرافیای طبیعی را نیز به همراه داشت، ولی اساساً روشی را مطرح کرد که در آن مردم فضای زندگی خود و ارزش‌های متصل به آن فضا را تجربه می‌کردند (بنکو و استرومیر، ۲۰۰۴: ۳۵-۳۴)؛ بنابراین، جغرافیدانان روندهای چندگانه در مکان‌ها و فضاها را در تعریف جغرافیای فرهنگی مهم می‌دانند. آن‌ها اشیاء مادی، فعالیت‌های فرهنگی، ایده‌های اجتماعی و معانی و متن‌های وسیع‌تر شکل‌دهنده مکان‌ها را تفسیر می‌کنند؛ این جریان در راستای ایجاد حسی از جهان پیرامون ماست. گرچه اشیاء مادی ممکن است آثار تکرار شونده‌تر را در نظر نگیرد، فعالیت‌های فرهنگی همانند جشن‌ها، شورش‌ها، تظاهرات و حتی به صورت عادی تر فعالیت‌های روزانه همانند خرید یا رفت‌وآمد، علی‌رغم گذرا بودن آثار مهمی برای بررسی هستند. گرچه این فعالیت‌ها ممکن است خودشان برخی از آثار مادی را (همانند تخریب ملک بعد از شورش، آلودگی بعد از رفت‌وآمد، رها کردن زباله بعد از خرید) به دنبال داشته باشند، اما آن‌ها همچنین آثار غیرمادی را در ذهن و قلب مردم به جای می‌گذارند. این گونه آثار روانی و احساسی - به صورت فردی و جمعی - ممکن است مورد تأکید واقع شوند. این زنجیره آثار و اشیاء، فعالیت‌ها، احساسات و متن‌ها برای تولید مکان و هویتش اهمیت دارد؛ همان‌طور که ما در جهانی فرهنگی زندگی می‌کنیم، پیوند ما با مکان‌ها

می تواند از طریق این آثار تقویت یا تضعیف شود. این زنجیره آثار همچنین شامل همه موارد نیز می شود؛ بنابراین زمانی که جغرافیدانان فرهنگی به مطالعه مکان می پردازند آن ها اشیاء مادی، فعالیت های فرهنگی، ایده های اجتماعی، متن ها و زمینه های جغرافیایی را مطالعه می کنند. آن ها بررسی می کنند که چگونه آثار مادی و غیرمادی، احساسات و ایدئولوژی ها با زمینه ها و متن های فضایی تلفیق شده تا مکان های خاصی را در آن زمان ایجاد کنند و چگونگی تأثیر این مکان ها بر مردم ممکن است از نظر جغرافیایی یا زمانی متفاوت باشد (اندرسون، ۲۰۱۰: ۱۰)

اغلب زمینه ها یا متن های مناسبی برای مطالعه در جغرافیا وجود دارد. زمینه یا متن می تواند به شکل های گوناگونی مدنظر قرار گیرد. زمینه جغرافیایی اغلب به شکل مفاهیمی همانند سرزمین، چشم اندازهای طبیعی یا مکان های دوردست و... مورد بررسی قرار می گیرد. زمینه ها اغلب فضاهای مشخص و آشکاری هستند که ممکن است خصوصیتی مانند گرم و خشک، سرد یا مرطوب داشته باشند و با زبان های خاص، قوانین و عرف های ویژه ای تعریف شوند. آنها ممکن است متفاوت یا مشابه مکان یا محل زندگی ما باشند. هر متنی اغلب از سوی جریانی خاص تأثیر می پذیرد و بر فعالیت های جاری در آن مکان تأثیری خواهد داشت.

به هر حال، سرزمین یا چشم انداز تنها متن ها و زمینه های مورد مطالعه جغرافیدانان نیستند. هر مکان یا ناحیه ای در هر مقیاس یا شرایطی می تواند به صورت یک متن جغرافیایی مدنظر قرار گیرد. برای مثال، در مقیاس کلان می توانیم در مورد سیاره زمین به شکل یک متن فکر کنیم و اینکه چگونه فعالیت های در جریان درون آن متأثر شده یا بر آن ها تأثیر می گذارد. در مقیاس خرد، می توانیم در مورد اتفاقی که این واژه ها را در آن مطالعه می کنیم به شکل یک متن جغرافیایی ببینیم و کشف کنیم که چگونه بر فعالیت های جاری در اتاق تأثیر داشته و تأثیر می پذیرد. به این معنا که ما می توانیم در مورد دیگر متن های جغرافیایی نیز تفکر کنیم. یک میدان عمومی، دشت، خانه، و خط ساحلی مثال هایی در این مورد است. این ها و مواردی از این دسته هستند که جغرافیدانان به تجزیه و تحلیل آن ها دست می زنند.

به همراه فضاهای سیاسی، چشم اندازهای طبیعی و از نظر اجتماعی مکان های مهندسی شده- در تنوعی از مقیاس ها- دیگر اشکال زمینه ها یا متن های جغرافیایی هستند که باید مطالعه شوند. همچنین باید در مورد متن های ارتباطات همانند فضای رسانه ای نیز فکر کنیم. برای مثال به مطالعه رسانه های اصلی یا فضای معجازی، زبان های گفتاری، گد های نوشتاری یا حتی ارتباطات غیرشفاهی و چگونگی تأثیر این موارد بر گروه های خاص و تأثیرپذیری از آن ها پردازیم. در مجموع متن های جغرافیایی می تواند وجود داشته باشد؛

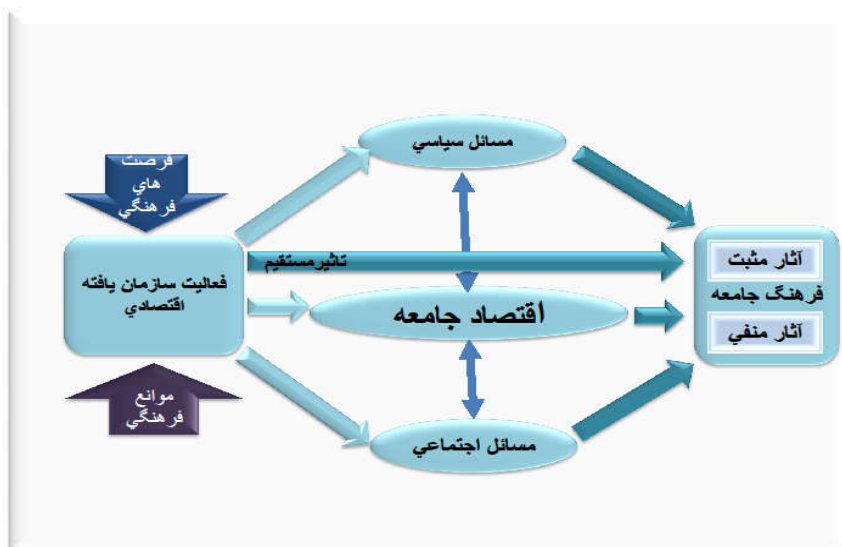
در جایی که فعالیت‌های انسانی و غیرانسانی وجود دارد، اما فعالیت‌های فرهنگی نیز در خلأ وجود نداشته، بلکه در متن‌های جغرافیایی به وجود آمده یا فعال هستند (اندرسون، ۲۰۱۰: ۶-۲).

آنچه جغرافیای فرهنگی به دنبال آن است، کشف محل‌های تلاقی بین فرهنگ و متن است. جغرافیای فرهنگی در پی این است که چرا فعالیت‌های فرهنگی در متن‌های خاصی اتفاق می‌افتند. از یک دیدگاه جغرافیایی، مکان‌ها و هویت‌هایی مطرح می‌شوند که نتیجه‌ای از تقاطع‌های پیچیده فرهنگ و متن است که در موقعیت خاصی اتفاق می‌افتد. جغرافیای فرهنگی مکان (محل تلاقی فرهنگ و متن) را کشف می‌کند تا به ما کمک کند در جهان اطرافمان عملکرد بهتری داشته و آن را بهتر بشناسیم.

از نظر جغرافیای فرهنگی، مکان‌ها به وسیله تقاطع بین فرهنگ و متن ساخته می‌شوند. مکان‌ها با جزئیات بیشتر، به کمک ترکیبی از آثار ایجاد می‌شوند. آثار، نشانه‌ها و بقایای به جا گذاشته شده در مکان از طریق زندگی فرهنگی به وجود می‌آیند. این آثار به شکل آثار مادی در طبیعت (همانند ساختمان‌ها، نشانه‌ها، مجسمه‌ها، نقاشی‌های دیواری یعنی نشانه‌های فیزیکی در محیط طبیعی) و همچنین مواردی غیرمادی (فعالیت‌ها، حوادث، عملکردها و احساسات) وجود دارند؛ پس می‌توانیم آثار قابل رؤیت در مکان‌ها را بینیم و با روش‌های دیگر نیز آن‌ها را بفهمیم (آن‌ها را بشنویم، بو کنیم، حتی می‌توانیم مزه کرده یا احساس کنیم)؛ همچنین قادر بوده تا در مورد آن‌ها فکر کنیم، آن‌ها را منعکس کرده یا شاید در لحظات خاص آن‌ها را به یاد آوریم. همچنان که آثار به صورت ماندگار تولید می‌شوند بر معانی و هویت‌های مکانی نیز تأثیرگذار هستند. در هر دو شکل مادی و غیرمادی آن‌ها به شکل پیوندها و خطوط اتصال عمل می‌کنند، معانی مکان‌ها را به هویت‌های گروه‌های فرهنگی سازنده آن‌ها گره می‌زنند؛ بنابراین آثار فرهنگی مکان‌های جغرافیایی و فرهنگ‌ها را به هم متصل می‌کنند و بر هویت هر دو نیز تأثیر می‌گذارند.

هر موجود زنده، شیء، مکان یا محصول فرهنگی دارای آثار و نتایج فرهنگی است که می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. به همین دلیل «بیان می‌شود که ترکیبی از جریان‌های مختلفی وجود دارد که آثار فرهنگی خاصی را به دنبال دارد. مکان شامل شهر و روستا، استان و کشور و غیره نیز باید از این زاویه فهمیده شود. جغرافیدان فرهنگی در مورد آثار، تعاملات و عواقب همه گزینه‌های ممکن اعم از فرد، جامعه، انسان، حیوان تا تصمیم، طرح، برنامه و پروژه تحقیق می‌کند. برای مثال، مجسمه نلسون^۱ در شهر لندن و در میدان ترافالگار نصب شده است که متن و زمینه ایجاد این اثر فرهنگی مربوط به زمان امپریالیسم می‌باشد. وی که فرمانده و قهرمان دریانوردی بریتانیایی‌ها بود در سال ۱۸۰۵ میلادی همزمان بر ارتش فرانسه و اسپانیا غلبه کرد؛ به مناسبت این پیروزی مجسمه وی در این میدان برپا شد. این مورد که نشان‌دهنده قدرت نیروی

نظامی بریتانیا است دارای پیوست و پیامدی فرهنگی برای این کشور است. مجسمه مذکور غرور ملی و میهن‌خواهی در آن کشور را القاء می‌کند که این امر از طریق مهارت در طراحی و معماری نوین شهری و به شکل ملتی پیشرفته و متمدن به خوبی نشان داده شده است. زمانی که جغرافیدانان فرهنگی به این تصویر خیره می‌شوند، آن را صرفاً اثری ساده و یا صرفاً ایجاد یک ستون در یک میدان نمی‌بینند، بلکه آن را اثری فرهنگی می‌بینند که با زنجیره‌ای از باورها و ایده‌های استوار فرهنگی بهم متصل شده است. این آثار با یکدیگر مرتبط می‌شوند تا قدرت فرهنگی میدان ترافالگار را بیان کنند» (Anderson, 2010: 2-6). چنین مواردی بیان‌کننده تأثیر شرایط گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و جغرافیایی بر فرهنگ است. جغرافیای فرهنگی به دنبال کشف اصولی است که مکان‌های فرهنگی و فضای مسلط بر آن اعم از سیاسی، اقتصادی و... را تشکیل داده است.



تصویر شماره (۲). پیامدهای فرهنگی فعالیت‌های سازمان یافته

مثالی دیگر در این زمینه می‌تواند شامل نقش، آثار و نتایج مربوط به واردات محصولات خارجی به داخل کشور ما باشد. عروسک‌ها، مدل‌های لباس، وسایل صوتی و تصویری، سبک‌های مدرن و غربی در مورد معماری منازل و مکان‌ها، بوتیک‌های لباس فروشی، آسمان‌خراش‌ها، فرهنگسراها و بسیاری از اشیاء، جریان‌ها، افکار، آیین‌ها، نمادها، و غیره پیامدهای اغلب منفی بر فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی با قدمت تمدنی چند هزار ساله دارد.

به هر حال، فضا برساخته‌ای اجتماعی و فرهنگی است و فضا‌مندی دلالت بر ترکیب و مفصل‌بندی مرزگذاری‌های اجتماعی، روابط قدرت، معناها، تاریخ، اسطوره‌ها و حتی فعالیت‌ها و کنش‌های افراد جامعه دارد (فیاض و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۳). محیط، فضا و مکان به صورت مداوم در خلق هویت جمعی و فردی استفاده می‌شوند. بسیاری از ما با مکان شناخته می‌شویم، در مقیاس‌های مختلف از خانه ما، از طریق خیابان و محله، شهر و منطقه تا سطح بالاتر یعنی دولت-ملت؛ یعنی بر اساس مکان مورد علاقه‌ای که به آن مرتبط شویم، هویت می‌یابیم و ممکن است که آن را با روش‌های متنوعی بیان کنیم؛ مثلاً با حمایت تیم‌های ورزشی، پیوند با آن مکان‌ها و فضاها یا حمایت از احزاب سیاسی که نماینده ساکنان یک منطقه و شهر می‌شوند. در اینجا مقوله‌ها و موقعیت‌های دوگانه همانند ما در برابر آن‌ها (ما در اینجا در مقابل آن‌ها در آنجا به کار می‌رود) مدنظر است؛ اما در مورد هویت مکانی تنها یک شکل رسمی وجود دارد و آن نیز شهروند یک دولت و ملت است که در مقابل بسیاری از اشکال به صورت غیررسمی هستند. این جریان به دلیلی تملک بخشی از کره زمین یعنی سرزمین به جریانی جغرافیایی تبدیل می‌شود. سرزمین مفهومی سیاسی و جغرافیایی است و به همین دلیل حکومت بر فضای آن اقتدار و حاکمیت مطلق دارد. آن‌ها باید قادر باشند بر جریان شهروندی‌شان در درون سرزمین کنترل مؤثر و کاملی داشته باشند. به همین دلیل بخشی از عملیات اجرایی دستگاه‌های کشور در تلاش برای تشویق مردم به شناسایی خود بر اساس کشورشان است (اوکس و پرایس، ۲۰۰۸: ۲-۳).

انسان‌ها بازیگران هوشمند و توانایی هستند که در زندگی اجتماعی، تولید فضا و مکان را به عهده دارند و با تفکرات سیاسی و اجتماعی خود در برابر محیط ظاهر می‌شوند و مکان‌هایی را بر مبنای فرهنگ خلق می‌کنند. انسان با فرهنگ خویش به محیط طبیعی یا مکان روح و روان می‌بخشد. به طوری که انسان منابع طبیعی سیاره زمین را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد تا در برابر آن سیاره‌ای فرهنگی خلق کند (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۴۷).

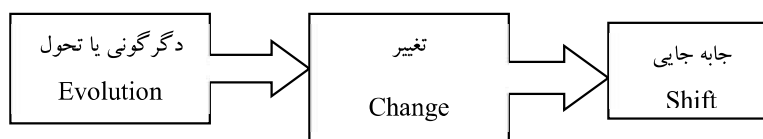
به طور کلی، فرهنگ عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری فضای شهری و غیرشهری است و در ریخت‌شناسی فضایی اهمیت اساسی دارد. از آنجا که هر ساخت و سازی در فضای شهری برخاسته از طرز تفکر برنامه‌ریزان و مردم است، ایشان نیز بر پایه سطح فرهنگ و اندیشه‌هایشان دست به خلق آثار می‌زنند و بر تأثیرپذیری فضای شهری از فرهنگ صحنه می‌گذارند.

۲- تغییر فرهنگی^۱

فرهنگ در بستر اجتماعی شکل می‌گیرد و به تغییر دچار می‌شود. هر عملی که از انسان سر می‌زند فرهنگ است و موجی تولید می‌کند که حتی تا بعد از مرگ وی نیز ادامه دارد که این فرایند «موج فرهنگی» نامیده می‌شود. این عمل یا کنش و واکنش می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه باشد؛ به عبارتی، «فرهنگ، بستر عمل اجتماعی همگرایانه افراد و گروه‌های اجتماعی است. نیروهای عمده‌ای در ساماندهی و دگرگونی فرهنگ حضور دارند که نقش هریک از این نیروها از قبیل سیاستمداران، روشنفکران و روحانیون در کنار مردم و دیگر گروه‌های اجتماعی و نسل‌ها مهم است. بحث تغییر فرهنگ، با اندیشه تک خطی بشریت متفاوت است» (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۶۸). تغییرات فرهنگی با تحول و دگرگونی و یا تغییر فرهنگ متفاوت است. به عبارتی تغییر فرهنگی که فرایند و جریان دائمی روابط بین فرهنگ هاست شمول و دامنه وسیع‌تری نسبت به دگرگونی فرهنگ‌ها دارد. آن بخشی از سیاست کلی حکومت و ملت‌هاست.

در رابطه با فرهنگ، ما با دو اصطلاح «تغییر فرهنگ» و «تغییر فرهنگی» رو به رو هستیم. هر چند که در محاورت روزمره این دو مفهوم به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند؛ ولی هریک بار معنایی خاصی در بردارند. تغییر فرهنگ در رقابت با تغییر سیاسی یا اقتصادی مفهوم پیدا می‌کند، درحالی که تغییر فرهنگی بر تغییراتی تأکید دارد که در حوزه فرهنگ به وقوع می‌پیوندد (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

سه مفهوم «جابه‌جایی»، «تغییر» یا «تکامل» نیز اصلی‌ترین مفاهیم مورد استفاده در نظریه‌های تغییر فرهنگ هستند. معادل‌های لاتین شامل دگرگونی یا تحول Evolution تغییر Change و جابه‌جایی Shift است (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۱۱۴).



نمودار(۱): رابطه دگرگونی، تغییر و جابه‌جایی

در روند فوق، ابتدا دگرگونی قرار دارد، ولی در مرحله بعد ما شاهدیم که تغییر صورت می‌گیرد، در حالی که در فرایند جابه‌جایی، فرهنگ دستخوش تغییر می‌شود و از میزان دگرگونی آن بشدت کاسته می‌شود.

واژه دگرگونی یا تحول مفهوم مرکزی نظریه تکامل اجتماعی است. مفهوم تکامل و دگرگونی یا تحول مفهوم مرکزی نظریه تکامل گرایی اجتماعی است. در واقع، تکامل به نوع منظمی از حرکت که نوع جدیدی از تغییر را به وجود می آورد می گویند (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

به طور کلی، مفروضات تغییر فرهنگی شامل موارد زیر است:

۱- تغییر پذیری: تغییر پذیری یکی از ویژگی های اصلی فرهنگ در شرایط جدید است. فرهنگ نمی تواند به صورت ایستا و بدون تغییر باقی بماند؛ زیرا برای پاسخگویی به نیازهای انسان در طی زمان ها، مکان ها و وضعیت های متفاوت به وجود آمده است.

۲- تغییر فرهنگ زمان دار و تدریجی است: دگرگونی فرهنگی تدریجی بوده و بازتاب دگرگونی در تجربه های سازنده ای است که به نسل های مختلف شکل داده است.

۳- اثرگذاری فرهنگ در حیات اجتماعی: فرهنگی که به تغییر دچار می شود، می تواند اثرگذار و نوآور باشد و در صورت بی تحرکی به شیء یا خاطره ای در قالب نمادها وارد موزه شود.

۴- موقعیت و شرایط خاص: فرهنگ در بستر اجتماعی متعامل با کنشگران فرهنگی و شرایط موقعیت های متفاوت به تغییر دچار می شود (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

تغییر فرهنگی از مفاهیم جدایی ناپذیر فرهنگ است؛ زیرا همواره ملت ها سعی دارند که در نظم دهی به واقعیات زندگی، جهت گیری های فکری و جهان بینی مختص خود را داشته باشند. از دهه ۱۹۶۰، شواهد بسیاری برای مردم شناسان پدید آمد که نشان می داد هیچ فرهنگی در انزوا نیست و وقتی فرهنگ ها تغییر می کنند، قادرند تأثیرات جدی بر محیط بگذارند. همچنین تغییرات محیطی نیز بر فرهنگ ها تأثیر می گذارند. بدیهی است که تغییرات فرهنگی بسیار پیچیده اند و دامنه و تأثیرات عمیقی دارند؛ لذا درک تمامی این تغییرات، مستلزم در پیش گرفتن «رویکرد کل نگر» در مطالعه فرهنگ ها و محیط های مختلف جغرافیایی است (فنی، ۱۳۸۸: ۵۴-۳۷). جهان مدرن زمینه های تحولات اساسی را در فرهنگ فراهم کرده است. (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). تغییرات فرهنگی در ایران به دلیل ظهور متفاوت کنشگران در شرایط ساختاری متفاوت به اشکال متعدد ظهور کرده است. به طور مشخص در دوره قاجاریه حوزه فرهنگ به تهاجم دچار شده و سه صورت فرهنگی ظهور کرده است: غرب زدگی فرهنگی، غرب ستیزی فرهنگی و احیای فرهنگی. تغییر در حوزه های خاصی چون سینما، ادبیات، هنر، موسیقی، دانشگاه، علم، سبک زندگی، مصرف و... نمونه های متعددی از تغییرات فرهنگی است. همان طور که انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی دو نمونه از انقلاب فرهنگی در ایران هستند (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۲۶۹).

تغییرات فرهنگی حاصل نوع خاصی از سیاست‌ها و مهندسی اجتماعی به صورت آگاهانه و ناآگاهانه و با تأثیرات مثبت و منفی می‌باشد؛ امروزه، این نوع تغییر بیانگر پروژه‌ای خاص است که توسط بازیگران داخلی و خارجی طراحی می‌شود و مخاطرات عظیمی را برای کشورها منجمله کشور ما به ارمغان می‌آورد. تغییرات اغلب از طریق نمادها که خارجی‌ترین بخش فرهنگ است به وجود می‌آید. فرد ایرانی و مسلمانی که ناآگاهانه صلیبی را بر گردن می‌آویزد نسبت به آثار آن بی‌اطلاع است. همین فرد بعد از ۱۰ سال به صورت متعصبانه از ارزش‌هایی که عقبه این گردبند را پوشش می‌دهد دفاع می‌کند و رفتاری متناسب با آن را انجام می‌دهد. بعد از چند سال دیگر با تغییر عقاید که هسته مرکزی فرهنگ را تشکیل می‌دهد او فرد دیگری می‌شود؛ ممکن است وی به آیین جدیدی بگراید. این تغییرات فرهنگی در داخل از طریق نمادها، طراحی و معماری منازل، نشانه‌هایی همانند نوشته‌ها، اسامی، مکان‌ها، بوتیک‌ها، مغازه‌ها و بسیاری از موارد دیگر صورت می‌گیرد و مشکلات زیادی را به همراه دارد. همچنین، تغییرات فرهنگی در میان مهاجرینی که به اروپا می‌روند به آسانی صورت می‌گیرد و آنها با تغییر مذهب، زبان، رفتار، ارزش‌ها و نمادها روبه‌رو می‌شوند؛ البته همواره استثناهایی نیز وجود دارد.

جغرافیای فرهنگی باید با رویکردی نو و انتقادی به مطالعه انسان و محیط بپردازد. در این راستا، نام مکان‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. همانطور که ریجفری می‌گوید: «شاید ما نتوانیم ذهنیت تک تک افراد را تغییر دهیم ولی می‌توانیم محیط پیرامونی افراد را تغییر دهیم و کارکرد آن را متحول نماییم» (لشکری تفرشی، ۱۳۹۴: ۱۱۸). با ثبت اسامی همانند بابانول، پاندا، و... بر روی تابلوها و ویتترین‌ها و شیرینی‌فروشی‌ها، لباس‌فروشی‌ها، مغازه‌های مختلف نمادهای فرهنگ غربی در ادبیات ما رسوخ کرده و به عنوان یک ابزار در کنار بسیاری از ابزارهای دیگر به تغییر فرهنگ ایرانی-اسلامی می‌انجامد. درحالی‌که، مدیریت فرهنگی کشور باید در پی استفاده از نام‌های ایرانی-اسلامی همانند عمو نوروز، نه‌نه‌سرما و الفاظی مانند شهر خون، شهر مقاوم، گهواره تمدن، دروازه فرهنگ و تمدن، دروازه قرآن که هر کدام یادآور ارزشهای خاص فرهنگی در پهنه جغرافیایی این سرزمین است باشد. همچنین، استفاده از نام مفاخر ایرانی همانند میرزا کوچک خان، رئیسعلی دلواری، امیرکبیر و... بر روی لباس‌ها، نام مکان‌ها و ساختمان‌ها، می‌تواند به بازنمایی فرهنگ و هویت ایرانی و نیز به تقویت هرچه بیشتر چرخه رابطه فرهنگ، انسان و محیط براساس الگوهای ایرانی-اسلامی کمک نمایند.

۳- نقش فرهنگی^۱

مطالعه فرهنگی هر ناحیه بهترین وسیله شناخت و ارزیابی محیط‌های جغرافیایی و همچنین تعیین نوع اختلاف میان گروه‌های انسانی است، زیرا هر ناحیه فرهنگی می‌تواند ما را با موارد زیر آشنا کند:

۱. مسائل و امکانات گذشته انسان، انتخاب و تصرف فعلی او از محیط‌های مسکونی، همچنین کیفیت عامل بالقوه انسانی در آینده از نتایج خصیصه‌های پیچیده هر ناحیه فرهنگی و شناخت آن‌ها در جغرافیای فرهنگی بسیار ضروری است. در زمان ما پیشرفت انسانی و نقش‌یابی نواحی جغرافیایی ناشی از تکامل عوامل فرهنگی است، نه شرایط و عوامل محیط طبیعی که گروه‌های انسانی را احاطه کرده‌اند (شکویی، ۱۳۷۸: ۵۷-۵۸). مثلاً پاریس نقش خود را به‌عنوان عاملی برجسته برای فرهنگ مغرب زمین گسترش داده است. پایتخت پادشاهی کبیر فرانسه، محل اولین انقلاب مدرن ماندگار اروپا، منزلی برای فیلسوفان و هنرمندان برای قرن‌های متوالی بوده است. و خود را به‌عنوان نقطه اوج فرهیختگی معرفی کرده است. (اسمیت، ۱۳۹۲: ۲۵۸).

۲. در مطالعه فرهنگ‌های ناحیه‌ای و محلی همواره با دو سؤال مواجه هستیم:

الف) انسان‌ها در رابطه با محیط طبیعی خود به چه اقداماتی دست زده‌اند؟

ب) به موازات دگرگونی عوامل فرهنگی، احساس و ادراک انسان از محیط‌های طبیعی به چه نسبتی تغییر می‌کند و انسان در سازندگی محیط مسکونی خویش چه نقش‌های تازه‌ای را بر عهده می‌گیرد؟ تنها مشکل جغرافیدان و پژوهشگر در تعیین مرزهای دنیا بر مبنای نقش فرهنگی این است که معیارها و ملاک‌های فرهنگی نواحی جغرافیایی همساز و همانند نیستند.

گاهی یکی از مطمئن‌ترین طرح‌های تقسیمات ناحیه‌ای بر مبنای مطالعه استان یا ایالت است، زیرا در اغلب موارد در بطن این نوع تقسیم‌بندی‌ها یک یا دو عامل فرهنگی که مخصوص همان ناحیه است در تمام گوشه‌ها و زوایای استانی عمومیت می‌یابد. از این رو با وجود تمام پیشرفت‌ها و جهش‌های فکری انسان، هنوز هم ناسیونالیسم ایالتی عامل چشمگیری در مطالعات جغرافیای فرهنگی است که مردم را برای وفاداری به برخی از ویژگی‌های فرهنگ محلی و بومی یا قبول پاره‌ای از ارزش‌های دوره‌های تاریخی پرورش می‌دهد و امکاناتی به وجود می‌آورد که سایر اقلیت‌های فرهنگی نیز در قلمرو فرهنگ ایالتی کاملاً جذب شوند. همچنین تجزیه و تحلیل کانون‌های فرهنگی و اقتصاد ناحیه‌ای، نوع استقرار انسان و اشکال پایگاه‌های فرهنگی در داخل ایالت و یک گروه، آسان‌تر و عملی‌تر صورت می‌گیرد، زیرا عوامل فرهنگی در چنین محیط‌هایی از وحدت و کثرت همه‌جانبه‌ای برخوردارند (شکویی، ۱۳۷۸: ۵۷-۵۸). در

مورد نقش فرهنگی، کنش‌ها و رفتارهای ما در هر جایگاه و منزلت اجتماعی که باشیم آثار فرهنگی - جغرافیایی خاص خود را به دنبال دارد.

برای مثال، در شهرهای اسلامی مساجدی با مهارت فراوان ساخته شده‌اند که مناره‌هایی مسلط بر فضای شهر دارند. مسجد همواره یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ساختمان‌ها در فضا است. چند بار در روز، از این مکان‌ها، دعوت به نماز می‌شود. با برخاستن صدای اذان، نمازگزاران به سمت مساجد حرکت کرده و با تشکیل صف‌هایی رو به سمت مکان مقدسی به نام مکه نماز می‌گزارند. در دوران اوج توسعه اسلام چشم‌اندازهای اسلامی مانند مسجد در شهرهای غیر اسلامی امروزی در شهر گرانادا و کوردبای اسپانیا ایجاد شدند که همچنان با اهمیت هستند.

طی قرن هفدهم میلادی، ساختمان‌سازان و معماران مسلمان میناکاری روی کاشی‌های سقف‌ها و گنبد‌های مساجد را شروع و آثار بی‌ظیری از گنبد‌های متقارن را خلق کردند. معماران مسلمان مفهومی از توحید خداوند را به همراه عظمت و بزرگی وی در گنبد‌های مساجد و ابنیه اسلامی خلق کردند؛ اسلام در بیان هنری و عناصر قابل‌رؤیت و متمایزش در معماری به موفقیت کاملی دست یافت؛ مساجد سمبل و نماد قدرت ایمان و نقش آن در جامعه شدند. مذهب در چشم‌اندازهای فرهنگی در اغلب مکان‌های اسلامی برتری یافت (فوبرگ و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۲۲-۲۲۰). معماری اسلامی و خلق چشم‌انداز طی قرون در تمام سرزمین‌های اسلامی یافت می‌شود که بیانگر ارتباط آن‌ها با همدیگر است. در این میان نقش و تأثیر ایرانیان در بنای مسجد جامع الازهر قابل توجه است.

«مسجد جامع الازهر» در سال ۳۵۹ قمری بنا شد. این بنا مجموعه کاملی از تحول و تطور معماری و هنر اسلامی محسوب می‌شود و به‌رغم افریقایی بودن از معماری آسیایی و ایرانی تأثیر پذیرفته است. نخستین معماری الازهر یک مستطیل ساده بوده و حیاط مرکزی این مسجد یادگاری از دوران خلفای فاطمی است. در اطراف مسجد، رواق‌هایی با قوس‌های جناقی و اصطلاحاً قوس‌های ایرانی وجود دارد. طاق‌هایی به سبک ایرانی در صفحه بالایی قوس‌ها مشاهده می‌شود که در دو سوی آن دایره‌هایی گچ‌بری و تزئین شده است. مسجد جامع الازهر مجموعه کاملی از هنر و معماری دنیای اسلام است که در آن فنون هنر ایران اسلامی به کار رفته است. همچنین برای نخستین بار در دوره فاطمیان، ایرانیان مقرنس‌کاری را به معماران و هنرمندان مصری آموختند. کاشی‌کاری نیز به‌عنوان پوشش بنا، میراث دیگری از ایرانیان است که در عناصر تزئینی عهد فاطمیون در مصر مشاهده می‌شود (نصیری، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۸).

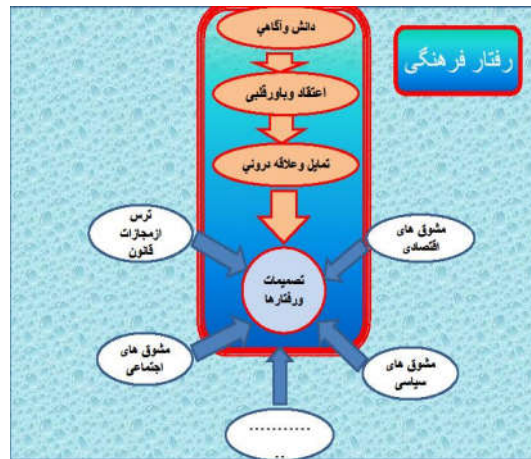
مساجد به عنوان مکان‌های مقدس والهام بخش که محافل دینی، جلسات قرآنی و هیأت‌های مذهبی در آن شکل گرفته و به فعالیت می‌پردازند، نقش بی‌بدیلی در تحکیم فرهنگ دینی در جامعه دارند. نهادهای

مدنی دینی نظیر روحانیت، هیأت‌های مذهبی، فعالان مساجد و حسینیه‌ها که از متن مردم برخاسته‌اند به خوبی می‌توانند در برابر ناهنجاریهای اجتماعی عکس‌العمل نشان داده و از باب امر به معروف و نهی از منکر انجام وظیفه کنند. (جوان آراسته، ۱۳۹۴: ۳۲).

از جمله موانع مهم فرهنگی در مسیر ساخت و حضور موثر فرهنگی مساجد، اندیشیدن در فضای ارتباطات گذشته و بی‌توجهی به تحولات سریع در روابط جامعه است، برای مثال، وزارت اقتصاد و دارایی ناچار است هر روز سیستم‌های مالیاتی خود را مدرن‌تر کند تا مالیات بیشتری بگیرد. شهرداری‌ها ناچارند برای تأمین پارک، اتوبان، پارکینگ، حمل و نقل، زباله و... هر روز عوارض جدیدی را تصویب و با روش‌های مدرن‌تر، شهروندان را مجبور به پرداخت نمایند، شرکت‌های آب، برق و تلفن با سازوکارهای جدید و به شیوه پلکانی دریافت‌های خود را افزایش می‌دهند.

در چنین شرایطی هر لحظه فرهنگ وقف، ایتم، پرداخت وجوهات شرعی و... در تنگنای بیشتری قرار می‌گیرند، اما همچنان نظام تبلیغات دینی می‌خواهد منابع لازم برای ساخت مساجد و تربیت روحانی و مبلغ را از این مسیرها تأمین نماید. این مصداقی است از تصمیم‌گیری برای آینده در فضای فرهنگی گذشته، گرچه به دلیل آثار فرهنگی بسیار مثبت این نوع منابع برای حکومت اسلامی و آفاتی که روش‌های وارداتی دارند، نباید اجازه دهیم این فرهنگ از بین برود (بنیانیان، ۱۳۹۱: ۲۳).

با احیای مساجد از طریق انگیزه پاک مؤمنین جامعه، دیگر شاهد برپائی انواع فضاهای تضعیف‌کننده نهاد مسجد از قبیل فرهنگسرا، خانه فرهنگ محله، سرای محله، کانون‌های فرهنگی و هنری و... و به دنبال آن تقسیم کار به فعالیت‌های حزن‌آور و غم‌انگیز به مسجد و فعالیت‌های شاد و نشاط‌آفرین به سایر اقشار نخواهیم بود و عملاً نهاد مسجد و روحانیون فرهنگی به حاشیه رانده نمی‌شوند و ارتباط بدنه جامعه با عالمان و روحانیون دینی که به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یکی از عوامل مهم ادامه حیات نظام جمهوری اسلامی و حفظ سلامت فرهنگی جامعه هستند، کاهش پیدا نمی‌کند (بنیانیان، ۱۳۹۱: ۲۱).



تصویر شماره (۳). نقش فرهنگی افراد و سازمان ها

در مکانی، سد احداث می کنیم و در نتیجه روستاها را تخلیه می کنیم؛ بدون اینکه چاره‌ای برای مهاجرت روستایی و عواقب ناشی از آن داشته باشیم. بسیاری از نمادها وجود دارد که بیانگر این است که ما به طور جدّ در همه‌ی وزارت‌خانه‌ها نیازمند کار فرهنگی هستیم. بخشی از این مشکل مربوط به این می‌شود که این پزشکان، جغرافیدانان، مهندسان، اقتصاددانان و... محصول نظام دانشگاهی ما هستند؛ نظامی که از غرب آمده است و تخصص‌گرایی افراطی در آن حرف اول را می‌زند. وقتی کسی قرار است در رده‌ی مدیریت در جامعه‌ی اسلامی کار کند، باید بر جامعه‌شناسی اسلامی مسلط باشد تا پیامدهای تصمیم‌گیری‌اش را در تحولات فرهنگی بشناسد و آن شناخت موجب شود که برای امور فرهنگی وقت بگذارد، سرمایه‌گذاری کند و از متخصصین کمک بگیرد تا کارکرد فرهنگی مجموعه‌ای که در رأس آن قرار دارد بهبود یابد. این درک اولیه نیازمند آموزش جدّی است. کشور ما هنوز به این درجه از بلوغ نرسیده است، چون هنوز شناخت لازم از جغرافیای فرهنگی و ضرورت و اهمیت مدیریت فرهنگی برای ما روشن نشده است.

در زمینه تقویت اعتقادات، کشورهای دیگر از طریق تقویت نمادها اقدام می‌کنند. «در ژاپن شهربازی‌هایی وجود دارد که بازدیدکنندگان با صندلی‌های گردان، زیرتپه‌ای حرکت می‌کنند و همراه با نور و صدا جنگ‌های ۲۰۰ سال اخیر و فداکاری‌هایی را که ژاپنی‌ها برای کشورشان کردند را مشاهده می‌کنند. بعد از یک ساعت، وقتی از این صندلی‌ها پیاده می‌شوند، نگاه جدیدی نسبت به وطن پیدا کرده‌اند؛ از اینکه برای این وطن چقدر هزینه داده شده است تا امروز بتوانند از رفاهش استفاده کنند. اما در معماری لجام گسیخته وارداتی غربی، یزد در حال از بین رفتن است. اصفهان هم دارد هویت فرهنگی

خودش را از دست می‌دهد» (بنیانیان، ۱۳۹۲: ۱۰). پس مشکل فرهنگ در کشور ما مشکل پول نیست، مشکل فهم و توجه به فرهنگ است. این فهم با خواندن این مقاله نیز اتفاق نمی‌افتد، مثل این نیست که یک نفر مقاله بخواند و پزشک شود. مقوله‌ی فرهنگ پیچیده‌تر از جسم یک انسان است (بنیانیان، پیوست فرهنگ بستر ارتقاء بهره‌وری و توسعه کشور: ۱۴).

۴- سیاست فرهنگی^۱

اخیراً دیدگاه‌های جغرافیای سنتی درباره‌ی فرهنگ مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا با تأکید بر همگونی فرهنگ‌ها از روندی تبعیت می‌کنیم که طبق آن، گروهی با سلطه فرهنگی ممکن است نفوذ خود را بر زیرمجموعه‌های درون یک جامعه تحمیل کند (مویر، ۱۳۷۹: ۳۳). سیاست فرهنگی به اقدامات و فعالیت‌های عامدانه و از پیش طراحی شده‌ای گفته می‌شود که نهادهای مختلف از قبیل دولت، بازار یا جامعه مدنی برای تولید، توزیع و اشاعه محصولات فرهنگی از خود بروز می‌دهند (مک گویگان، ۱۳۹۳: ۷). سیاست فرهنگی از خط‌مشی‌های نظام‌اند و انتظام‌بخش^۲ فعالیت‌هایی که سازمان‌ها برای تحقق اهدافشان اتخاذ می‌کنند. سیاست فرهنگی در درجه اول فعالیتی بوروکراتیک است تا خلاقانه یا ارگانیک. مواردی مثل تقاضای سازمان‌ها، آموزش، امور مالی، پذیرش یا رد هنرمندان، دست‌کاری در فعالیت‌های هنری و هنرمندان همگی از مجرای سیاست‌های فرهنگی شکل می‌گیرند. دولت‌ها، اتحادیه‌های تجاری، دانشگاه‌ها، جنبش‌های اجتماعی، احزاب، بنیادها و بنگاه‌های تجاری به سرمایه‌گذاری، کنترل، توسعه، آموزش و ارزیابی امور فرهنگی می‌پردازند (میلر و یودیس، ۱۳۸۹: ۲۶).

جغرافیای فرهنگی جدید همیشه فرهنگ را سیاسی می‌داند که به معنی وارد کردن سیاست در فرهنگ نیست، بلکه بیشتر به این معنا است که ارزش‌ها و آداب فرهنگی همیشه و در هر حال سیاسی بوده‌اند (اسمیت، ۱۳۹۲: ۶۵). در رویکرد فرهنگ به‌عنوان جریانی سیاسی بر نگرش‌های فرهنگ به شکل متکثر تأکید شده است، یعنی فرهنگ به‌صورت اجتماعی تولید شده و مبارزه‌ای برای آن صورت می‌گیرد. توجه اصلی در اینجا به نقش فضا و مکان در ایجاد معنا و هویت و همچنین ایجاد فرآیندها و جریان‌های مقاومت و تجاوز معطوف شده است؛ بر این اساس فرهنگ در واقع یک میدان جنگ واقعی است (گروگری و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۳۴). در این زمینه، با نگاهی انتقادی می‌توان به فرهنگ‌هایی همانند تمرین یوگا، استفاده

1. Cultural Politics
2. regulatory

از مواد روانگردان، فیلم‌های سیلوستره استالونه^۱ و غیره نگرینست (جکسون، ۲۰۰۳: ۱۷) که برنامه‌های سیاسی خاصی در رابطه با آن‌ها وجود دارد.

نمایشگاه، رویدادی خاص، تئاتر یا مراسم مذهبی می‌تواند با راهبردهای سیاسی خاصی تعریف شوند (اسمیت، ۱۳۹۲: ۱۹۳). هر ارتباط رسانه‌ای یک پیام سیاسی دارد. هر رمان، فیلم و برنامه تلویزیونی اطلاعات خود را به گونه‌ای شکل می‌دهد که سیستم موجود، سیستم‌های اخلاقی و روابط سیاسی و اقتصادی را تقویت کرده یا به چالش بکشد. گاهی اوقات این کار با ظرافت بسیاری انجام می‌شود و گاهی نیز بسیار پرسروصدا و علنی؛ اما دقیقاً مانند اخبار فقط وقتی تمایل به فهم فرآیندها داریم که مخالف موضع ایدئولوژیکی ما باشند (اسمیت، ۱۳۹۲: ۷۲). حتی فیلم‌های رایج نیز می‌توانند پیام مقاومت را منتقل کنند که با انواع دیگر فعالیت‌های هنری نیز امکان‌پذیر است.

آرشیوها، یادبودها، موزه‌ها، جشن‌ها، مدارس و رسانه‌های عمومی همگی سعی در انتقال یک حس تاریخی از هویت ملی دارند. به هر حال تمام این موارد اشکال قابل بحث سیاسی هستند، همان‌طور که گروه‌های اجتماعی خاص بهتر توانسته‌اند خاطرات متناقض یا تصورات گذشته را جدا کنند و عقیده خود را در مورد اینکه چه چیزهایی میراث باارزش را تشکیل می‌دهند را بر سایر گروه‌های اجتماعی به حاشیه رانده شده، تحمیل کنند (اسمیت، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

بسیاری از جغرافیدانان این مفاهیم را به کار می‌برند تا استدلال‌هایی را تنظیم کنند که چگونه ساخت فعالانه فرهنگ مکان‌ها، فضاها و چشم‌اندازها بخشی از روابط قدرت نابرابر بین گروه‌های اجتماعی است (بلانت و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۰).

در اینجا با قدرت نمادها سروکار داریم، اما نمادها هنگامی که رمزگشایی می‌شوند معنای خاصی پیدا می‌کنند. از آنجا که عناصر مختلفی در تفاسیر آنها وجود دارند، معانی در طول زمان و مکان ثابت باقی نمی‌مانند. فرهنگ‌ها منتظر تصویر خود نیستند (اسمیت، ۱۳۹۲: ۲۰۱). مکان‌ها قدرت خاصی دارند. این باورها و عقاید استوار ماست که بر اساس سیاست‌های فرهنگی و هویتی و ایدئولوژی خاصی به یک مکان قدرت سمبلیک یا نمادین می‌دهد. کوه فوجی^۲ در ژاپن، صخره آیرز^۳ در استرالیا و... صرفاً یک مکان طبیعی نیست، بلکه نماد یک ملت و هویت یک کشور در راستای ایجاد وحدت و تعالی کشور است. می‌توان به ساختار پاریس به‌عنوان مکانی تقریباً جهانی برای بیان عشق از طریق فیلم، رمان و مخصوصاً آهنگ فکر کرد (اسمیت، ۱۳۹۲: ۲۰۶). بعضی از افسانه‌ها در پاریس به‌صورت آگاهانه خلق

1. Sylvester Stallone
2. Mount Fuji
3. Ayers Rock

شده‌اند. برخی دیگر نیز بر اساس یک کلاغ چهل کلاغی است که در طول سال‌ها گفته شده است. تمام این افسانه‌ها بر ذهن پارسی‌ها و بازدیدکنندگان چنان تأثیری گذاشته است که حتی اماکن شهری را نیز با توجه به آن‌ها می‌بینند (اسمیت، ۱۳۹۲: ۲۷۰). برای شاعران، پارسی تنها پارسی نیست، بلکه شهر بناهای تاریخی و برجسته است. آنجا شهری سرشار از یادبود انقلابیونی است که به خاطر آزادی و آزادگی جمیع ملت و شادی و درد دل بسیاری از کارگران، صنعتگران، مهاجران و پناهندگان مبارزه می‌کردند (اسمیت، ۱۳۹۲: ۲۷۱)؛ یعنی ادبیات، شعر، فیلم، زبان، قومیت، نژاد، مذهب، باورها و عقاید و غیره همگی می‌تواند به‌عنوان ابزارهایی برای قدرت‌های سیاسی جهانی، ملی، منطقه‌ای و محلی برای تأمین اهداف آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۵- تهدیدات فرهنگی و ضرورت‌های نظام مهندسی فرهنگ

فرهنگ از چنان اهمیتی برخوردار است که قدرت‌های محلی، ملی و جهانی به دنبال سیطره و نفوذ به جوامع گوناگون از طریق فرهنگ و مذاهب آنان هستند. تلاش استعمارگران برای شیخون فرهنگی به جوامع مسلمان از طریق دور کردن آن‌ها از قرآن و آیین‌های مذهبی و شعائر اسلامی، نمونه کوچکی از این امر است. همچنین، امروزه جوامع غربی در پوشش استعمار پنهان و جدید سعی دارد تا از طریق جنگ نرم و به کمک ابزارهایی همانند رسانه گروهی همچون ماهواره و اینترنت جوانان مسلمان را از فرهنگ بومی جدا کند تا از طریق مهندسی جدید فرهنگی که برای این جوامع طراحی کرده آنان را تحت سلطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود بکشاند و از این طریق سلطه و سروری فرهنگی سیاسی خود را بر جوامع فوق تحمیل کند. غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا در پی تهاجم فرهنگی مخصوصاً به جوامع اسلامی بعد از فروپاشی شوروی سابق بوده است. آمریکا بعد از شوروی، اسلام را بزرگ‌ترین چالش خود دیده و از طریق استراتژی‌های فرهنگی خاصی به دنبال تأمین منافع خود بوده است. فقط ظهور افراط‌گرایی دینی همانند داعش نیست که زمینه‌ساز اختلاف در بین جوامع مسلمان خواهد شد، بلکه ایالات متحده خواب برتری فرهنگی خود را نیز از طریق نمایش (شو)ها و فیلم‌های آمریکایی، مد، لباس و غیره بر جهان اسلام دیده است. «به عبارت دیگر استعمار نامرئی بر ملل ضعیف جهان سایه گسترده است. امروزه سلطه فرهنگی این وظیفه را به عهده گرفته است» (فرید، ۱۳۷۹: ۴۷۳). سخنان حکیمانه رهبر انقلاب در خصوص اهمیت فرهنگ و نام‌گذاری سال ۱۳۹۳ به نام «فرهنگ و اقتصاد با عزم ملی و مدیریت جهادی» راهنما و چراغی هدایت‌گر برای آینده پیش روی ما و توطئه‌های دشمنان از طریق جنگ فرهنگی و قدرت نرم است. در این بیانات مشخص است که مسئولیت خطیر مسائل حوزه فرهنگی بر عهده ملت و دولت در کنار هم است و

علوم مختلف به تبع هر کدام سهمی در فضای فرهنگی دارند. اما بدون شک تهدیدات فرهنگی و ضرورت‌های نظام مهندسی فرهنگ در حوزه جغرافیا و مطالعات جغرافیایی بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد چرا که سهم جغرافیا به دلیل ابعاد گوناگون مسائل و موضوعات جغرافیایی و فرهنگی و تنوع مطالعات آن نظیر جغرافیای فرهنگی، جغرافیای پزشکی، جغرافیای ورزش، جغرافیای جمعیت، جغرافیای سیاسی، جغرافیای شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی توریسم، جغرافیای خاکها، جغرافیای قاره‌ها، جغرافیای روستایی، جغرافیای آبها و مناطق خشک و... بیشتر از سایر علوم است.



تصویر شماره (۴). اهمیت و کارکرد فرهنگ در نظام جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری شامل موارد زیر است:

- اول در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است؛ یعنی فرهنگ به‌عنوان جهت‌دهنده در تصمیم‌های کلان کشور از جمله تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی یا در تولید نقش دارد. وقتی می‌خواهیم ساختمانی بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع، با این کار فرهنگی را ترویج یا تولید می‌کنیم یا اشاعه می‌دهیم. اگر در سیاست خارجی مذاکره‌ای می‌کنیم و تصمیمی می‌گیریم، عیناً همین معنا وجود دارد؛ بنابراین، فرهنگ مانند روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کلان کشوری حضور و جریان دارد و جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان کشور است؛ این در واقع، اهمیت و بنا گذاشتن یک مبنای فرهنگی را به ما نشان می‌دهد.

- عرصه دوم به عنوان شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه بر اساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن حاکم است. مردم در خانواده، ازدواج، کسب، لباس پوشیدن، حرف زدن و تعامل اجتماعی‌شان در واقع با یک فرهنگ حرکت می‌کنند. دولت و مجموعه حکومت نمی‌تواند خود را از این موضوع برکنار بداند.

- عرصه سوم فرهنگ، سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است؛ یعنی آموزش و پرورش، آموزش عالی و بهداشت و درمان. دستگاه‌های موظف دولت، بالاخره باید سیاست‌های کلان آموزشی و علمی‌شان را از مرکزی بگیرند. درست است که آموزش و پرورش یک مجمع مشورتی دارد، ولی او کار دیگری می‌کند و نزدیک به اجراست، اما این دورتر از اجراست؛ کلان‌تر و وسیع‌تر نگاه می‌کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷). ایشان به بسیاری از ضرورت‌های نظام مهندسی فرهنگ نظیر قانون‌پذیری، تدین و دین‌باوری، اعتماد به نفس، غیرت ملی و اعتزاز ملی^۱ تاکید دارند. به قول سهراب سپهری «اهل کاشانم، روزگرم بد نیست»؛ این افتخار است یا در جای دیگر می‌گوید: «من مسلمانم»، اعتزاز به ایرانی بودن^۲ است.



تصویر شماره (۵). مهندسی فرهنگی جامعه

۱. اعتزاز ملی یعنی احساس عزت کردن از ایرانی بودن.

۲. که به آن نیاز داریم. البته این با ملی‌گرایی ناقص - همان ناسیونالیسم منفی مطرودی که ما همیشه آن را رد می‌کنیم - نباید اشتباه شود. این، ناسیونالیسم مثبت است. این، ملی‌گرایی به معنای مثبت قضیه است و ما به آن احتیاج داریم.

نتیجه‌گیری

روابط و مناسبات متقابل محیط و فرهنگ گروه‌های انسانی از مباحث مهم و کاربردی است که شناخت این رابطه کمک شایانی به برنامه‌ریزی در راستای سیاست‌های فرهنگی و مهندسی فرهنگی می‌کند. جغرافیای فرهنگی با نگاهی موشکافانه ضمن شناخت تهدیدها، آسیب‌ها و مخاطرات فرهنگی به نقش فرهنگی افراد، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی-اقتصادی، ارگان‌های دولتی و غیردولتی، مکان‌ها و... توجه خاصی دارد و تغییرات فرهنگی آنها را مدنظر قرار می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به تنوع فرهنگی در پهنه سرزمینی و جغرافیای مناطق ایران ضروری است که ما به عنوان فردی مسلمان و ایرانی نقش‌های فرهنگی و کنش و واکنش فرهنگی خود را در راستای حفظ الگوهای اسلامی که براساس حیات طیبه و صبغه الهی تعریف شده با حساسیت دنبال کنیم. همچنین، درحالی که غرب و در رأس آن آمریکا در تلاش برای جهانی سازی و غربی کردن و یا آمریکایی کردن جهان، از جمله کشور ما هستند، ضرورت دارد تا در مقابل این سبک‌های ارائه شده غربی در حوزه‌های جغرافیا، معماری، شهرسازی و... که از طریق نمادها، لباس‌ها، مدها، مدل‌های پوششی، اسامی مکان‌ها و.. که عقاید و باورهای ما را هدف خود قرار داده کنجکاوانه مطالعه، مقابله و عمل کنیم و از رسوخ هرچه بیشتر آیین‌های ضد اسلامی و ضد ایرانی که با جغرافیای فرهنگی این دیار هیچ سنخیتی ندارد، جلوگیری نماییم. برای مثال، جغرافیدانان این نکته را باید در نظر بگیرند که محیط فرهنگی ما به فضایی تبدیل نشود که در آن نامی از خدا و پیغمبر نباشد؛ فرایندی که توسط مهندسی فرهنگی غرب برای کشورهای اسلامی از طریق نمادها، سبک‌های زندگی، اسامی افراد و... مدنظر قرار گرفته است. با توجه با تأکید رهبری و اهمیت ایشان به مسائل فرهنگی ضرورت دارد که ما در مقابل تهاجم فرهنگی به طور جدی و مهمتر از تهدیدات سیاسی-امنیتی و اقتصادی مقاومت کنیم. همچنین، با توجه به خصوصیات علم جغرافیا به عنوان علم روابط متقابل انسان و محیط، علم پراکندگی، علم روابط و وابستگی بین عوامل محیطی و اشکال زندگی و علم مکانها و احاطه بر موضوعات فرهنگی، مطرح کردن جغرافیای فرهنگی به عنوان ستون اصلی دانش جغرافیا باید مورد تأکید قرار گیرد؛ در این زمینه، جغرافیدانان باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهند:

- ۱- مطالعه و ارج نهادن به اصل تفاوت‌های جغرافیایی با نگاهی ویژه به عامل فرهنگ
- ۲- شناخت محیط پیرامون و تهدیدها و مخاطرات فرهنگی موجود
- ۳- ارائه راه‌کارها توسط این بخش از دانش بشری به عنوان رشته‌ای کاربردی
- ۴- حفظ فرهنگ بومی و تلاش برای دستیابی به الگوی پیشرفت بومی (مثلاً الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی)

پیشنهادها در این راستا نیز شامل موارد زیر است:

- ۱- حمایت قاطعانه از پژوهشهای کاربردی در حوزه جغرافیای فرهنگی و هدایت و تشویق آنها با توجه به نیاز جامعه ایران
- ۲- به نظر می رسد: از یک طرف جغرافیدانان کمتر به مطالعات جغرافیای فرهنگی ورود کرده اند و از سوی دیگر نیز در سیاست های کلان در مورد پروژه های فرهنگی همانند همه طرح ها و برنامه ها مورد بی مهری قرار گرفته اند؛ لذا تقویت این دو مقوله ضروریست.
- ۳- اگر فرهنگ به عنوان روحی در کالبد جامعه در جریان است و به تصمیم های کلان کشور جهت می دهد، بنابراین، باید در جهت سلامت آن کوشید و آن را به درستی هدایت کرد.
- ۴- تهیه و تدوین پیوست فرهنگی (پیوست نگاری فرهنگی) برای انجام تمامی فعالیت های کلان کشوری و پروژه های شهرسازی، معماری و طرح های روستایی و بسیاری از طرح ها و برنامه ها و فعالیت ها در حوزه جغرافیایی ضروری است.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۳)، جامعه شناسی فرهنگ. تهران: نشر نی.
- اسمیت، پاملا شورمر (۱۳۹۲)، جغرافیای فرهنگی. ترجمه علی احمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- بیانات رهبر معظم انقلاب (۱۳۸۱)، مدیریت فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۷/۱۰/۱۵.
- بنیانیان، حسن (۱۳۹۲)، «اگر تمدن نوین اسلامی مبنای توسعه مشهد شود»، رصد روزنامه صبح ایران. شماره بیست و چهارم.
- بنیانیان، حسن (۱۳۹۱)، «پیوست فرهنگی مساجد»، ماهنامه پاسدار اسلام، سال سی و یکم، شماره ۳۶۸.
- بنیانیان، حسن (۱۳۹۰)، «نیاز به رنسانس قرآنی داریم»، مهر و مرهم، ویژه نامه نوزدهمین نمایشگاه قرآن. خبرگزاری شبستان.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۴)، «بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر به مثابه قدرت نرم در فرهنگ اسلامی»، فصلنامه قدرت نرم. دوره ۱۲، شماره ۱۲.
- رضوانی، محمدرضا و احمدی، علی (۱۳۸۸)، «مکان و نقش فرهنگ در شکل گیری هویت مکانی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی. سال دهم، دوره سوم، شماره ششم.
- شکویی، حسین (۱۳۸۲)، فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی. تهران: گیتاشناسی.
- شکویی، حسین (۱۳۷۹)، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا. تهران: گیتاشناسی.
- شکویی، حسین (۱۳۷۸)، فلسفه جغرافیا، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- فرید، یدالله (۱۳۷۹)، شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی. بی جا: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- فرید، یدالله (۱۳۷۵)، «جغرافیای فرهنگی و تهاجم فرهنگی»، تحقیقات جغرافیایی. شماره ۴۱.
- فی، زهره (۱۳۸۸)، «بررسی ابعادی از تحولات جغرافیای فرهنگی شهر (مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران)»، پژوهش های جغرافیای انسانی. شماره ۶۸.
- فیاض، ابراهیم و سرافراز، حسین و احمدی، علی (۱۳۹۰)، «نشانه شناسی چشم اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنا»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره چهارم، شماره چهارم.

- لشکری تفرشی، احسان (۱۳۹۴)، سیاست و شهر (دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی فضای شهری). تهران: نشر انتخاب.
- مک گویگان، جیم (۱۳۹۳)، بازاندیشی در سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌اله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- میلر، توبی و جورج یودیس (۱۳۸۹)، سیاست فرهنگی. ترجمه نعمت‌اله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- نای، جوزف اس (۱۳۸۹)، قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق.
- نصیری، معصومه (۱۳۸۶)، «کنکاشی در تأثیرات متقابل فرهنگی ایران و مصر»، مطالعات ملی. شماره ۳۲.
- Anderson, J. (2010). Understanding Cultural Geography: Places and Traces. New York: Routledge.
- Benko, G. and U. Strohmayer (2004). HUMAN GEOGRAPHY A History for the 21st Century, London: Oxford University Press Inc.
- Blunt, A., Gruffudd, P., May, J., Ogborn, M. and D.
- BRUNO, F. S. (2014). CULTURAL ECONOMICS: www.bsfrey.ch/articles/D_206_09.pdf
- Fouberg, E.h., Murphy, A.b. and H.J. de Blij (2005). Human Geography, People, Place and Culture, John Wiley & sons, Inc.
- Gregory, D., Johnston, R., Pratt, G., Watts, M. and S. Whatmore (2011). The Dictionary of Human Geography, Wiley- Blackwell.
- Jackson, P. (2003). Maps Of Meaning, An introduction to cultural geography, London and New York: Routledge.
- Hanks, R. R. (2011). Encyclopedia of Geography Terms, Themes, and Concepts, California: ABC-CLIO, LLC.
- Hinchliffe, S. (2007). Geographies of Nature, Societies, Environments and Ecologies, London: SAGE Publications Ltd.
- Oakes, T.S. and P.L. Price (2008). The Cultural Geography Reader, London and New York: Routledge.
- Warft, B. (2006). Encyclopedia of HUMAN GEOGRAPHY, SAGE Publications. Hinchliffe, S. (2007). Geographies of Nature, Societies, Environments and Ecologies, London: SAGE Publications Ltd.

Cultural Geography and the Threats of Cultural Engineering Systems of Iran

Nafiseh Marsousi

Mohammad Raof Heidari Far*

Eghbal Pahkideh

153

Biannual Journal

Islamic-
Iranian
Pattern of
Development

Cultural Geography and the Threats of Cultural Engineering Systems of Iran

Mohammad Raof Heidari Far

Abstract

Cultural Geography is an applying and functional science so that it studies the relationships between human and environment from the cultural point of view. This kind of knowledge consider the geographical diversity, hence, it articulates that politics and conspiracies from global imperialism or globalization which try to establish a culture based on western norms and values will not be accomplished while it is not fit and match with aboriginal cultural society throughout the world and also such processes and conspiracies will eventually led to so many cultural hazards and threats. This article with descriptive and analytical approach and also with geographical view is to study and survey key concepts in cultural field and it also scrutiny and deep understand cultural- geographical hazards emanating from alien and hostile politics for our native culture e.i. Islamic – Iranian culture while it is not neglected protection from our culture. The results, however, indicate that production and circulation of geographical and cultural differentiation accompanies and coexists with human being while we witness physical features in planet earth. So, the article also is emphasizing on the increasing of geographical problems and it suggests that cultural geography has to apply suitable solutions for reinforcement and holding Islamic values and confront with the threats of cultural systems.

Key Words: cultural Geography, cultural engineering Systems, environment, cultural hazards, culture.

The contextual Factors Affecting Public Trust in Governmental Agencies

Mohammad Reza Jaber Ansari
Reza Najafbagy*
Seyed Mahdi Alvani

154

Biannual Journal

Islamic-
Iranian
Pattern of
Development

Vol.4, No 8, Autumn & winter, 2017

Abstract

Trust is one of the important aspects of human relationships and is the contextual basis for partnership and cooperation among community members. Without public trust of individuals towards each other, the society breaks down. Public trust is a basic requirement for success of any society and governments. Trust also leads to cooperative behavior and reduce conflict and reduce the cost of doing the work. The influential operation of organizations in a society is related to the people's trust towards these organizations. If the trust of citizens have been destroyed, public sector workers face more difficulties in carrying out their duties and the decline of public trust, public participation in political processes will be reduced. Reducing citizens' trust in government and governmental agencies are of the crises in the world today. One of the most challenging issues in front of governmental management is to save and promote public trust in governmental organizations. The present research with the aim of identifying contextual factors on public trust in governmental agencies is done through a descriptive-analytical method. The results showed that factors such as trust in government, economy, media, industrialization, crime, new public management, although are not under the control of the governmental agencies, form the context of public trust in governmental agencies.

Key words: public trust, trust in government, economy, media, crime, industrialization.

Study Documents on the role of women in Ilam province at The process of the Islamic Revolution (1357-1341)

Morteza Akbari

Abstract

Iranian women's participation in politics - social and cultural community, especially in the second half of the nineteenth century AD Pahlavi era (II) was established mainly to women in this age Bhtvry-Kh unveiling and encouraging imitation of the West, but women Iran's successful model of modernity Muslim Islamic fighters against the Pahlavi dynasty imported and imitated, often alongside men in different Drshnhhay, were present. Therefore, the present study aims to study the documents, political and cultural role of women in Ilam province during the Islamic Revolution of Iran in 1357 to review and analyzes. The present study is descriptive - analytical method in Py-Yaftn find answers to questions that women and revolutionary model in Ilam how and when and with what co-ordinate their fight against the Pahlavi regime? The hypothesis suggests that Muslim women and Ilam Islamic Revolution of 1341 to the Elamite religious speech such as Ytallh- pearls, Ytallh- Heidari, Hojjat al-Islam and the clergy repairman exile have lived in Ilam, with the revolutionary ideas of Imam Khomeini and the Islamic Revolution met with the Pahlavi regime were fighting. Utilizes the capabilities of the methodological and theoretical analysis and cultural theories of revolution It was found that the presence of Muslim women and patterns of Ilam province sermons, participate in religious programs, Play declarations of Imam Khomeini, cultural and religious lectures, participating in sit-ins and protests highlight color the road of religious culture in political campaigns has been.

Key words: Women Ilam , Islamic Revolution, anal, culture.

Study of Relationship between spiritual intelligence with educational leadership in Allameh Tabataba'i University

kaveh ghadami*
Abbas abbaspour
Saeed ghiasi

156

Biannual Journal

Islamic-
Iranian
Pattern of
Development

Vol.4, No 8, Autumn & winter, 2017

Abstract

Introduction:The present research investigated the relationship between spiritual intelligence and educational leadership among educational of managers of Allameh Tabataba'i University . **Method:** The research was a correlational, descriptive field study. The research population consisted of all managers and vice presidents of the university, heads of departments and their deputies in the 93-94 school year the number is 34 tenure staff, Due to the limited number the whole thing was selected. A questionnaire, based on King's spiritual intelligence questionnaire was used, with four factors(totaling to 24 items). For educational leadership, Luthans' leadership questionnaire with 35 items was used. The reliability of instruments was approved by Chronbach alphas of %796 for spiritual intelligence and %724 for educational leadership.**Results:** The results indicated that there was a significant relationship between spiritual intelligence and educational leadership learning ($r=0.319$). Each dimensions of spiritual intelligence was significantly related, but there was no significant relationship between knowledge development dimension with educational leadership.

Keywords: intelligence, spiritual intelligence, leadership, educational leadership, managers.

Exploring the relationship between Islamic human resource management and employees' commitment mediated via organizational justice

Farzad Fesharaky*
Saeed sehat

Abstract

Islamic human resources management is one of the key components for employing the Islamic management approach in organizations. Despite its high importance of this issue, it has not been addressed in the literature as it should be. Thus the present research is conducted in order to fill the theoretical gap and presenting practical solutions in this field. The purpose of this research is to investigate the impact of Islamic human resources management on the improvement of employees' commitment through enhancing the levels of perceived justice in the organization. This study is practical in terms of purpose and descriptive-correlation considering the methodology. The statistical population consists of 140 employees from the bureau of endowments and charity affairs in Tehran. By using the Cochran's formula and simple random sampling, 103 questionnaires were distributed. The gathered data is analyzed by path analysis with structural equation modeling using the SmartPLS software. The findings indicate the positive and significant relation among the Islamic human resources management, organizational justice and employees' commitment.

Keywords: Islamic human resources management, Organizational justice, Employees' commitment, Islamic management.

Effect of Jihad management on Entrepreneurship education

Abbas Gharib
Ali Alitaleb
Setareh Abbasi*
Ardehsir shiri

Abstract

Jihad management in the intellectual system of revolution's supreme leader consider as the sentence of management optimal model that has the capabilities to fulfill the goals of the Islamic revolution and possesses abilities and values, which is expected from a Islamic efficient management system. The aim of present study is the effect of Jihad management on Entrepreneurship education in universities of Mazandaran Islamic Azad Universities Managers. The research is of Analytical and applied type. The statistic population of the research contains senior managers, middle and operational Mazandaran University. And 113 people have been selected through simple random sampling. In this study to evaluate Questionnaire Jihad management Including strategy, management, human and structural also Questionnaire Entrepreneurship education Including Attitude, knowledge and skills Who had high reliability. To review the conceptual model of structural equation modeling ((SEM)) and Smart PLS software used. Reult show on all of the hypotheses in this study approved also showed that Jihad management leads to the modern progress in academic entrepreneurship and provides better feedback compared to other styles.

Key words: Jihad management, entrepreneurship, Levels of management, entrepreneurship training.

158
Biannual Journal

Islamic-
Iranian
Pattern of
Development

Vol.4, No 8, Autumn & winter, 2017

A Process Model for Designing the Islamic-Iranian Model of Progress

Majid Mokhtarianpour

Abstract

Assessing the outcomes and impacts of 57 years of programming for development in Iran shows that development in western style (and only with Islamic modifications), on one hand hasn't been able to result in development like western countries, and on the other hand has caused Islamic Iranian values fade. The cause of this condition is that the basics, Requirements, problems and ends of development model differs from that of Islamic society of Iran and this fact shows the necessity of designing a model, well suited for Iranian society. By the presentation of "the Islamic-Iranian Model of Progress" subject in the beginning of the 4th decade of the Islamic revolution of Iran, by the supreme leader, designing an alternative model to development model which can result in progress besides spirituality and justice has always been one of the discussions of the concerning scientific societies in this area. Surely achieving this model requires passing a process which can result in the formation of a problem-oriented model that is also based on Islamic basic values. This research has attempted to present a process model for designing the Islamic-Iranian model of progress, using comparative study method for the analysis of data collected through archival studies and focus group. The result of this research is a model including 9 parts of "compilation of Islamic foundations of progress", "knowing the present era", "knowing the present problems", "designing the governance system, necessary institutions and basic rules for the realization of Islamic-Iranian progress", "designing the horizon of the Islamic Republic of Iran and the implementation and evaluation system of the Islamic-Iranian Model of Progress", "designing midterm progress plans", "managing the domestic knowledge creation", "discoursification" and "formulating and implementing the evolution model".

Key Words: Progress, Model, Islamic-Iranian, Problem orientation, Value Orientation

Table of contents

Cultural Geography And The Threats Of Cultural Engineering Systems Of Iran Nafiseh Marsousi , Mohammad Raof Heidari Far , Eghbal Pahkideh	153
The Contextual Factors Affecting Public Trust In Governmental Agencies Mohammad Reza Jaber Ansari , Reza Najafbagy , Seyed Mahdi Alvani	154
The Process Of The Islamic Revolution (1357-1341) Morteza Akbari	155
Study Of Relationship Between Spiritual Intelligence With Educational Leadership In Allameh Tabataba'i University Kaveh Ghadami , Abbas Abbaspour , Saeed Ghiasi	156
Exploring The Relationship Between Islamic Human Resource Management And Employees' Commitment Mediated Via Organizational Justice Farzad Fesharaky , Saeed Sehat	157
Effect Of Jihad Management On Entrepreneurship Education Abbas Gharib , Ali Alitaleb , Setareh Abbasi, Ardeshir Shiri.....	158
A Process Model For Designing The Islamic-Iranian Model Of Progress Majid Mokhtarianpour	159

The Journal of Islamic-Iranian Pattern of Development

Biannual Journal
Islamic-Iranian Pattern of Development
Vol.4, No 8, Autumn & Winter, 2016 & 2017

Publisher: Basij-e Asatid Organization
Managing Editor: Sohrab Salahi
Editor- in-Chief: Golam Reza Jamshidi-ha
Co-Editor: Ahmad Naderi
Director of Basij Asatid Scientific Journals : Morteza Tavakoli
Internal Manager: Sina Ahmadi

Editorial Board

Taghi Azad Armaki / Professor, Tehran University
Hassan Sobhani / Professor, Tehran University
Mahdi Taleb / Professor, Tehran University
Fath Allah Tari / Assistant Professor, Allame Tabatabai University
Gholamreza Jamshidiha / Professor, Tehran University
Ali Rabani Khorasgani / Assistant Professor, Esfehan University
Mosa Anbari / Associate Professor, Tehran University
Ebrahim Fayaz / Associate Professor, Tehran University

Special Secretary : Ebrahim Shirali
Supervision: Basij-e Asatid Organization – Research Assistance
Page Designer: Mahbubeh Jafari Far
English Editor: Kheir Ghadam Saburi
Persian Editor: Kheir Ghadam Saburi
E-Mail Address: ipob@basijasatid.ir
Website: www.ipoba.ir
Address: No. 1246, Basij-e Asatid Organization, Enghelab Ave, Tehran, Iran.
Tel: 0098-21-66975609